

ماده ۱	ماده ۲	ماده ۳	ماده ۴	ماده ۵	ماده ۶
<p>ماده ۱- به منظور رسیدگی و حل و فصل به کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضائی واحد، دادگاههای با صلاحیت عام به شرح مواد آتی تشکیل می شوند.</p>	<p>ماده واحده - قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب - مصوب ۱۳۷۲/۴/۱۵ به شرح ذیل اصلاح می گردد:</p> <p>۱- ماده (۱) به شرح ذیل اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۱- دادگاههای بدوی دادگستری به دادگاههای عمومی و اختصاصی تقسیم می شوند. دادگاههای عمومی صلاحیت رسیدگی به کلیه دعاوی را دارند مگر آنچه را که قانون استثناء کرده است و دادگاههای اختصاصی صلاحیت رسیدگی به هیچ دعوی را ندارند، مگر آنچه را که قانون تصریح کرده باشد. دادگاه نظامی دادگاه اختصاصی است.</p>	<p>۱- با توجه به عبارت «دادگاه نظامی دادگاه اختصاصی است» در ذیل ماده (۱) چون مشخص نشده است که دادگاه ویژه روحانیت، دادگاه عمومی است یا اختصاصی از این جهت ابهام دارد پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد</p>	<p>ماده واحده - قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب - مصوب ۱۳۷۲/۴/۱۵ به شرح ذیل اصلاح می گردد:</p> <p>۱- ماده (۱) به شرح ذیل اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۱- دادگاههای بدوی دادگستری به دادگاههای عمومی و اختصاصی تقسیم می شوند. دادگاههای عمومی صلاحیت رسیدگی به کلیه دعاوی را دارند مگر آنچه را که قانون استثناء کرده است و دادگاههای اختصاصی صلاحیت رسیدگی به هیچ دعوی را ندارند، مگر آنچه را که قانون تصریح کرده باشد.</p>	<p>۱ - حصر دادگاههای مذکور در ماده (۱) به دادگاههای عمومی و اختصاصی دادگستری موجب مشخص نشدن وضعیت دادگاه ویژه روحانیت است بایدوضع این دادگاه روشن شود تا اظهار نظر میسر گردد.</p>	<p>ماده واحده - قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب - مصوب ۱۳۷۲/۴/۱۵ - به شرح ذیل اصلاح می گردد:</p> <p>۱- این بند حذف گردید.</p>
<p>ماده ۳- با تأسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضائی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزائی و امر در حسیبه بالحفاظ قلمرو محلی با دادگاههای مذکور خواهد بود.</p> <p>تبصره ۲- رسیدگی به اموری که به حکم قانون به مرجع دیگری واگذار شده از دائره شمول این قانون خارج است.</p> <p>تبصره ۳- حاکم دادگاه عمومی در دعاوی راجع به اصل نکاح در صورتی صلاحیت رسیدگی دارد که اجازه مخصوص از طرف رئیس قوه قضائیه داشته باشد.</p>	<p>۲- ماده (۳) و تبصره های (۲) و (۳) آن بشرح زیر اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره (۴) به آن الحاق می گردد:</p> <p>ماده ۳- در هر حوزه قضائی که دادگاه عمومی تشکیل شده یا بشود یک دادسرا نیز در معیت آن تشکیل می گردد. تشکیلات، حدود صلاحیت، وظائف و اختیارات دادسرای مذکور که ((دادسرای عمومی و انقلاب)) نامیده می شود، تا زمان تقدیم و تصویب آئین دادرسی مربوطه توسط قوه قضائیه که حد اکثر شش ماه پس از تصویب این قانون خواهد بود، بر طبق قانون اصول محاکمات جزائی و اصلاحات بعدی آن قانون امور حسبی و سایر قوانین می باشد.</p> <p>تبصره ۲- رسیدگی به جرائم داخل در صلاحیت دادگاههای نظامی از شمول این قانون خارج است و در دادسرا و دادگاه نظامی انجام می شود.</p> <p>تبصره ۳- جرائمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال می باشند و جرائم اطفال مستقیماً در دادگاههای مربوط مطرح می شود و دادسرا در این موارد دخالتی ندارد.</p>	<p>۲- در ذیل ماده (۳) تصریح شده است که تا زمان تصویب آئین دادرسی طبق قانون اصول محاکمات جزائی و اصلاحات بعدی آن و قانون امور حسبی و سایر قوانین عمل می شود، صرف نظر از ایرادات متعدد شرعی که شورا قبلاً نسبت به موادی از قانون فوق اعلام نموده است و همچنین ابهام عبارت سایر قوانین چون این قانون منسوخ می باشد. طرح مجدد آن منوط به طی مراحل قانونی است لذا از این جهت مغایر اصول ۷۲ و ۷۴ و ۹۴ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>۲- ماده (۳) و تبصره های (۲) و (۳) آن بشرح زیر اصلاح و سه تبصره به عنوان تبصره های (۴)، (۵) و (۶) به آن الحاق می گردد:</p> <p>ماده ۳- در هر حوزه قضائی هر شهرستان یک دادسرا نیز در معیت دادگاههای آن حوزه تشکیل می گردد. تشکیلات، حدود صلاحیت، وظائف و اختیارات دادسرای مذکور که «دادسرای عمومی و انقلاب» نامیده می شود تا زمان تصویب آئین دادرسی مربوطه، طبق قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی و مقررات مندرج در آن به شرح ذیل می باشد.</p> <p>الف - دادسرا که عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبیه وفق ضوابط قانونی است به ریاست دادستان و لازم معاون، دادیار، بازپرس و تشکیلات ابراری خواهد داشت. اقدامات دادسرا در جرائمی که جنبه خصوصی دارد با شکایت شاکی خصوصی شروع می شود. در حوزه قضائی بخش، وظیفه دادستان را دادرسی علی البدل و در غیاب او مدیر دفتر دادگاه بر عهده دارد.</p> <p>ب - ریاست و نظارت بر ظابطین دادگستری از حیث وظایفی که بعنوان ضابط بر عهده دارند با دادستان است.</p> <p>ج - مقامات و اشخاص رسمی در مواردی که باید امر جزائی را تعقیب نمود، موظفند مراتب را فوراً به دادستان اطلاع دهند.</p> <p>د - بازپرس وقتی اقدام به تحقیقات مقدماتی می نماید که قانوناً این حق را داشته باشد. جهات قانونی برای شروع به تحقیقات بازپرس عبارت است از:</p> <p>۱- ارجاع به دادستان.</p>	<p>۴ - در خصوص جرائم منافی عفت مشمول حد(زنا و لواط) چنانچه موضوع اهم دیگری مانند آدم ربایی، یا باند فساد، یا مفاسد و یا ضرورت مهمتر دیگری مطرح نباشد رسیدگی برای کشف و اثبات جرم توسط غیر قاضی پرونده خلاف موازین شرع می باشد.</p>	<p>۲- ماده (۳) و تبصره های (۲) و (۳) آن بشرح زیر اصلاح و سه تبصره به عنوان تبصره های (۴)، (۵) و (۶) به آن الحاق می گردد:</p> <p>ماده ۳- در هر حوزه قضائی هر شهرستان یک دادسرا نیز در معیت دادگاههای آن حوزه تشکیل می گردد. تشکیلات، حدود صلاحیت، وظائف و اختیارات دادسرای مذکور که «دادسرای عمومی و انقلاب» نامیده می شود تا زمان تصویب آئین دادرسی مربوطه، طبق قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی و مقررات مندرج در آن به شرح ذیل می باشد:</p> <p>الف - دادسرا که عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم به جرم، اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبیه وفق ضوابط قانونی است به ریاست دادستان و لازم معاون، دادیار، بازپرس و تشکیلات اداری خواهد داشت. اقدامات دادسرا در جرائمی که جنبه خصوصی دارد با شکایت شاکی خصوصی شروع می شود. در حوزه قضائی بخش، وظیفه دادستان را دادرسی علی البدل بر عهده دارد.</p> <p>ب - ریاست و نظارت بر ظابطین دادگستری از حیث وظایفی که بعنوان ضابط بر عهده دارند با دادستان است.</p> <p>ج - مقامات و اشخاص رسمی در مواردی که باید امر جزائی را تعقیب نمود، موظفند مراتب را فوراً به دادستان اطلاع دهند.</p> <p>د - بازپرس وقتی اقدام به تحقیقات مقدماتی می نماید که قانوناً این حق را داشته باشد. جهات قانونی برای شروع به تحقیقات بازپرس عبارت است از:</p> <p>۱- ارجاع به دادستان.</p>
<p>ماده ۴- با اجرای این قانون کلیه پرونده های موضوع تبصره (۱) ماده (۴) در هر مرحله ای که باشند جهت ادامه رسیدگی به دادگاه کیفری استان مربوطه ارسال و سایر پروندههای موجود کماکان در همان دادگاه و بدون نیاز به کیفر خواست رسیدگی و صدور حکم خواهد شد.</p>	<p>تبصره ۴- با اجرای این قانون کلیه پرونده های موضوع تبصره (۱) ماده (۴) در هر مرحله ای که باشند جهت ادامه رسیدگی به دادگاه کیفری استان مربوطه ارسال و سایر پروندههای موجود کماکان در همان دادگاه و بدون نیاز به کیفر خواست رسیدگی و صدور حکم خواهد شد.</p>	<p>۳- در تبصره (۴) ماده (۳) عنوان شده است که پرونده های موضوع تبصره (۱) ماده (۳) در هر مرحله ای که باشند جهت ادامه رسیدگی به دادگاه کیفری استان مربوطه ارسال</p>	<p>ب - ریاست و نظارت بر ظابطین دادگستری از حیث وظایفی که بعنوان ضابط بر عهده دارند با دادستان است.</p> <p>ج - مقامات و اشخاص رسمی در مواردی که باید امر جزائی را تعقیب نمود، موظفند مراتب را فوراً به دادستان اطلاع دهند.</p> <p>د - بازپرس وقتی اقدام به تحقیقات مقدماتی می نماید که قانوناً این حق را داشته باشد. جهات قانونی برای شروع به تحقیقات بازپرس عبارت است از:</p> <p>۱- ارجاع به دادستان.</p>	<p>۵ - ارجاع امور قضائی به مدیر دفتر دادگاه که ابلاغ قضائی ندارند</p>	<p>د - بازپرس وقتی اقدام به تحقیقات مقدماتی می نماید که قانوناً این حق را داشته باشد. جهات قانونی برای شروع به تحقیقات بازپرس عبارت است از:</p> <p>۱- ارجاع به دادستان.</p>

می شود ، چون اشخاص موضوع تبصره ( ۱ ) ماده ( ۴ ) شامل روحانیان می گردد خلاف موازین شرع و اصل ۵۷ قانون اساسی شناخته شد و از این جهت که شامل نظامیان می گردد مغایر اصل ۱۷۲ قانون اساسی تشخیص داده شد .

۴- در تبصره ( ۴ ) ماده ( ۳ ) ارسال پرونده های موضوع صدر تبصره ( ۱ ) ماده ( ۴ ) جهت ادامه رسیدگی به دادگاه کیفری استان ، اطلاق آن چون موجب تضییع حقوق مردم می گردد لذا خلاف موازین شرع و بند ( ۲ ) اصل ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد .

۲- شکایت یا اعلام جرم به بازپرس در مواقعی که دسترسی به دادستان ممکن نیست و رسیدگی به آن فوریت داشته باشد .

۳- در جرائم مشهود در صورتی که باز پرس شخصاً ناظر وقوع آن باشد .

ه - دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می شود حق نظارت و دادن تعلیمات لازمه را خواهد داشت و در صورتی که تحقیقات بازپرس را ناقص ببیند می تواند تکمیل آن را بخواهد و لو این که باز پرس تحقیقات خود را کامل بداند .

بازپرس در جریان تحقیقات ، تقاضای قانونی دادستان را اجراء نموده ، مراتب را در صورت مجلس قید می کند و هر گاه مواجه با اشکال شود به نحوی که انجام آن مقدر نباشد مراتب را به دادستان اعلام و منتظر حل مشکل می شود .

و - تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم بر عهده باز پرس می باشد . در جرائمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان نیست دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر می باشد .

در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس ، اقدامات لازم را برای حفظ و جمع آوری دلایل و آثار جرم به عمل می آورد و در مورد سایر جرائم ؛ دادستان می تواند انجام بعضی از تحقیقات و اقدامات را از بازپرس در خواست نماید بدون اینکه رسیدگی امر را به طور کلی به آن باز پرس ارجاع کرده باشد .

ز - کلیه قرارهای دایار بایستی با موافقت دادستان باشد و رد صورت اختلاف نظر بین دادستان و دایار ، نظر دادستان متبع خواهد بود .

ح - بازپرس رأساً و یا به تقاضای دادستان می تواند در تمام مراحل تحقیقاتی در موارد مقرر در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ؛ قرار بازداشت موقت متهم و همچنین قرار اخذ تأمین را صادر نماید . در صورتی که بازپرس رأساً قرار بازداشت موقت را صادر کرده باشد مکلف است ظرف بیست و چهار ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد دادستان ارسال نماید . هرگاه دادستان ، با قرار بازداشت به عمل آمد موافق نباشد ، نظر دادستان متبع است و چنانچه علتی که موجب بازداشت بوده است مرتفع شده و موجب دیگری برای ادامه بازداشت نباشد با موافقت دادستان رفع خواهد شد و همچنین در موردی که دادستان تقاضای بازداشت کرده و بازپرس با آن موافق نباشد حل اختلاف ، حسب مورد با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد داشت .

هرگاه متهم موجبات بازداشت را مرتفع ببیند می تواند از بازپرس در خواست رفع بازداشت خود را بنماید در این

**خلاف موازین شرع است .**

۲- شکایت یا اعلام جرم به بازپرس در مواقعی که دسترسی به دادستان ممکن نیست و رسیدگی به آن فوریت داشته باشد .

۳- در جرائم مشهود در صورتی که باز پرس شخصاً ناظر وقوع آن باشد .

ه - دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می شود حق نظارت و دادن تعلیمات لازمه را خواهد داشت و در صورتی که تحقیقات بازپرس را ناقص ببیند می تواند تکمیل آن را بخواهد و لو این که باز پرس تحقیقات خود را کامل بداند .

بازپرس در جریان تحقیقات ، تقاضای قانونی دادستان را اجراء نموده ، مراتب را در صورت مجلس قید می کند و هر گاه مواجه با اشکال شود به نحوی که انجام آن مقدر نباشد مراتب را به دادستان اعلام و منتظر حل مشکل می شود .

و - تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم بر عهده باز پرس می باشد . در جرائمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان نیست دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر می باشد .

در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس ، اقدامات لازم را برای حفظ و جمع آوری دلایل و آثار جرم به عمل می آورد و در مورد سایر جرائم ؛ دادستان می تواند انجام بعضی از تحقیقات و اقدامات را از بازپرس در خواست نماید بدون اینکه رسیدگی امر را به طور کلی به آن باز پرس ارجاع کرده باشد .

ز - کلیه قرارهای دایار بایستی با موافقت دادستان باشد و رد صورت اختلاف نظر بین دادستان و دایار ، نظر دادستان متبع خواهد بود .

ح - بازپرس رأساً و یا به تقاضای دادستان می تواند در تمام مراحل تحقیقاتی در موارد مقرر در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ؛ قرار بازداشت موقت متهم و همچنین قرار اخذ تأمین را صادر نماید . در صورتی که بازپرس رأساً قرار بازداشت موقت را صادر کرده باشد مکلف است ظرف بیست و چهار ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد دادستان ارسال نماید . هرگاه دادستان ، با قرار بازداشت به عمل آمد موافق نباشد ، نظر دادستان متبع است و چنانچه علتی که موجب بازداشت بوده است مرتفع شده و موجب دیگری برای ادامه بازداشت نباشد با موافقت دادستان رفع خواهد شد و همچنین در موردی که دادستان تقاضای بازداشت کرده و بازپرس با آن موافق نباشد حل اختلاف ، حسب مورد با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد داشت .

۲- شکایت یا اعلام جرم به بازپرس در مواقعی که دسترسی به دادستان ممکن نیست و رسیدگی به آن فوریت داشته باشد .

۳- در جرائم مشهود در صورتی که باز پرس شخصاً ناظر وقوع آن باشد .

ه - دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می شود حق نظارت و دادن تعلیمات لازمه را خواهد داشت و در صورتی که تحقیقات بازپرس را ناقص ببیند می تواند تکمیل آن را بخواهد و لو این که باز پرس تحقیقات خود را کامل بداند .

بازپرس در جریان تحقیقات ، تقاضای قانونی دادستان را اجراء نموده ، مراتب را در صورت مجلس قید می کند و هر گاه مواجه با اشکال شود به نحوی که انجام آن مقدر نباشد مراتب را به دادستان اعلام و منتظر حل مشکل می شود .

و - تحقیقات مقدماتی کلیه جرائم بر عهده باز پرس می باشد . در جرائمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان نیست دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر می باشد .

در مورد جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس ، اقدامات لازم را برای حفظ و جمع آوری دلایل و آثار جرم به عمل می آورد و در مورد سایر جرائم ؛ دادستان می تواند انجام بعضی از تحقیقات و اقدامات را از بازپرس در خواست نماید بدون اینکه رسیدگی امر را به طور کلی به آن باز پرس ارجاع کرده باشد .

ز - کلیه قرارهای دایار بایستی با موافقت دادستان باشد و رد صورت اختلاف نظر بین دادستان و دایار ، نظر دادستان متبع خواهد بود .

ح - بازپرس رأساً و یا به تقاضای دادستان می تواند در تمام مراحل تحقیقاتی در موارد مقرر در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ؛ قرار بازداشت موقت متهم و همچنین قرار اخذ تأمین را صادر نماید . در صورتی که بازپرس رأساً قرار بازداشت موقت را صادر کرده باشد مکلف است ظرف بیست و چهار ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد دادستان ارسال نماید . هرگاه دادستان ، با قرار بازداشت به عمل آمد موافق نباشد ، نظر دادستان متبع است و چنانچه علتی که موجب بازداشت بوده است مرتفع شده و موجب دیگری برای ادامه بازداشت نباشد با موافقت دادستان رفع خواهد شد و همچنین در موردی که دادستان تقاضای بازداشت کرده و بازپرس با آن موافق نباشد حل اختلاف ، حسب مورد با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد داشت .

موضوع (۱)	موضوع (۲)	موضوع (۳)	اصلاحیه ضابطین (۱)	نظر شورای (۲)	اصلاحیه مجلس (۲)
			<p>صورت بازپرس مکلف است ظرف ده روز از تاریخ تسلیم درخواست ، نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان ارسال نماید . به هر حال متهم نمی تواند در هر ماه بیش از یک مرتبه از این حق استفاده کند .</p> <p>در صورت حدوث اختلاف بین بازپرس و دادستان در خصوص صلاحیت محلی و ذاتی و همچنین نوع جرم حسب مورد حل اختلاف با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود .</p> <p>ط - هر گاه در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهار ماه و در سایر جرائم تا دو ماه به علت صدور قرار تأمین ، متهم در بازداشت بسر برد و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهائی در دادسرا نشده باشد مرجع صادر کننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین متهم میباشد مگر آن که جهات قانونی یا علل موجهی برای بقاء قرار تأمین صادر شده وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقاء می شود و متهم حق دارد از این تصمیم ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ به وی حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب محل شکایت نماید . فک قرار بازداشت متهم از طرف بازپرس با موافقت دادستان به عمل می آید و در صورت حدوث اختلاف بین دادستان و بازپرس حل اختلاف با دادگاه خواهد بود . چنانچه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این بند حسب مورد هر چهار ماه یا هر دو ماه اعمال می شود . به هر حال مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز نماید .</p> <p>ی - در خواست دادستان و بازپرس را باید ضابطین ، مقامات رسمی و ادارات فوراً اجرا نمایند . بازپرس می تواند به تحقیقات ضابطین دادگستری رسیدگی نموده و هرگاه تنبیری در اقدامات آنان یا تکمیلی در تحقیقات ، لازم باشد بعمل آورد . تخلف از مقررات این بند علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی ؛ برابر قانون مربوط مستوجب تعقیب کیفری نیز خواهد بود .</p> <p>ک - پس از آن که تحقیقات پایان یافت ، بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود ، پرونده را نزد دادستان می فرستد . در صورتی که به عقیده بازرس ، عمل متهم متضمن جرمی واقع نشده و یا اصولاً جرمی واقع نشده و یا دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود نداشته باشد قرار منع تعقیب و در صورت عقیده باز پرس بر تقصیر متهم ، قرار مجرمیت در باره ایشان صادر می نماید و چنانچه متهم در آخرین دفاع دلیلی مؤثری بر کشف حقیقت ابراز نماید باز پرس مکلف به رسیدگی می باشد .</p> <p>دادستان نیز مکلف است ظرف پنج روز از تاریخ وصول ، پرونده را ملاحظه نموده و نظر خود را اعلام دارد .</p> <p>ل - هرگاه دادستان با نظر بازپرس در مورد مجرمیت متهم موافق باشد کیفرخواست صادر ، پرونده را از طریق بازرسی به دادگاه صالحه ارسال می نماید و در صورت توافق بازپرس و</p>	<p>هرگاه متهم موجبات بازداشت را مرتفع بیند می تواند از بازپرس درخواست رفع بازداشت خود را بنماید که در این صورت بازپرس مکلف است ظرف ده روز از تاریخ تسلیم درخواست ، نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان ارسال نماید . به هر حال متهم نمی تواند در هر ماه بیش از یک مرتبه از این حق استفاده کند .</p> <p>در صورت حدوث اختلاف بین بازپرس و دادستان در خصوص صلاحیت محلی و ذاتی و همچنین نوع جرم حسب مورد حل اختلاف با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود .</p> <p>ط - هر گاه در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهار ماه و در سایر جرائم تا دو ماه به علت صدور قرار تأمین ، متهم در بازداشت بسر برد و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهائی در دادسرا نشده باشد مرجع صادر کننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین متهم میباشد مگر آن که جهات قانونی یا علل موجهی برای بقاء قرار تأمین صادر شده وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقاء می شود و متهم حق دارد از این تصمیم ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ به وی حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب محل شکایت نماید . فک قرار بازداشت متهم از طرف بازپرس با موافقت دادستان به عمل می آید و در صورت حدوث اختلاف بین دادستان و بازپرس حل اختلاف با دادگاه خواهد بود . چنانچه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این بند حسب مورد هر چهار ماه یا هر دو ماه اعمال می شود . به هر حال مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز نماید .</p> <p>ی - در خواست دادستان و بازپرس را باید ضابطین ، مقامات رسمی و ادارات فوراً اجرا نمایند . بازپرس می تواند به تحقیقات ضابطین دادگستری رسیدگی نموده و هرگاه تنبیری در اقدامات آنان یا تکمیلی در تحقیقات ، لازم باشد بعمل آورد . تخلف از مقررات این بند علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی ؛ برابر قانون مربوط مستوجب تعقیب کیفری نیز خواهد بود .</p> <p>ک - پس از آن که تحقیقات پایان یافت ، بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود ، پرونده را نزد دادستان می فرستد . در صورتی که به عقیده بازرس ، عمل متهم متضمن جرمی واقع نشده و یا اصولاً جرمی واقع نشده و یا دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود نداشته باشد قرار منع تعقیب و در صورت عقیده باز پرس بر تقصیر متهم ، قرار مجرمیت در باره ایشان صادر می نماید و چنانچه متهم در آخرین دفاع دلیلی مؤثری بر کشف حقیقت ابراز نماید باز پرس مکلف به رسیدگی</p>	<p>هرگاه متهم موجبات بازداشت را مرتفع بیند می تواند از بازپرس درخواست رفع بازداشت خود را بنماید که در این صورت بازپرس مکلف است ظرف ده روز از تاریخ تسلیم درخواست ، نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان ارسال نماید . به هر حال متهم نمی تواند در هر ماه بیش از یک مرتبه از این حق استفاده کند .</p> <p>در صورت حدوث اختلاف بین بازپرس و دادستان در خصوص صلاحیت محلی و ذاتی و همچنین نوع جرم حسب مورد حل اختلاف با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود .</p> <p>ط - هر گاه در جرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهار ماه و در سایر جرائم تا دو ماه به علت صدور قرار تأمین ، متهم در بازداشت بسر برد و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهائی در دادسرا نشده باشد مرجع صادر کننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین متهم میباشد مگر آن که جهات قانونی یا علل موجهی برای بقاء قرار تأمین صادر شده وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقاء می شود و متهم حق دارد از این تصمیم ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ به وی حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب محل شکایت نماید . فک قرار بازداشت متهم از طرف بازپرس با موافقت دادستان به عمل می آید و در صورت حدوث اختلاف بین دادستان و بازپرس حل اختلاف با دادگاه خواهد بود . چنانچه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این بند حسب مورد هر چهار ماه یا هر دو ماه اعمال می شود . به هر حال مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز نماید .</p> <p>ی - در خواست دادستان و بازپرس را باید ضابطین ، مقامات رسمی و ادارات فوراً اجرا نمایند . بازپرس می تواند به تحقیقات ضابطین دادگستری رسیدگی نموده و هرگاه تنبیری در اقدامات آنان یا تکمیلی در تحقیقات ، لازم باشد بعمل آورد . تخلف از مقررات این بند علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی ؛ برابر قانون مربوط مستوجب تعقیب کیفری نیز خواهد بود .</p> <p>ک - پس از آن که تحقیقات پایان یافت ، بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود ، پرونده را نزد دادستان می فرستد . در صورتی که به عقیده بازرس ، عمل متهم متضمن جرمی واقع نشده و یا اصولاً جرمی واقع نشده و یا دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود نداشته باشد قرار منع تعقیب و در صورت عقیده باز پرس بر تقصیر متهم ، قرار مجرمیت در باره ایشان صادر می نماید و چنانچه متهم در آخرین دفاع دلیلی مؤثری بر کشف حقیقت ابراز نماید باز پرس مکلف به رسیدگی</p>

دادستان یا منع یا موقوفی تعقیب متهم ، بازپرس دستور ابلاغ قرار صادره به شاکی خصوصی را می دهد و در مورد اخیر چنانچه متهم زندانی باشد فوراً آزاد می شود .

هرگاه بین بازرس و دادستان توافق عقیده نباشد ( یک عقیده به مجرمیت یا موقوفی یا منع تعقیب متهم و دیگری عقیده عکس آنرا داشته باشد ) رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه عمومی و انقلاب محل به عمل می آید و موافق تصمیم دادگاه رفتار می شود .

م - در کیفر خواست باید نکات ذیل تصریح شود:

۱- نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، سن ، شغل ، محل اقامت متهم ، باستاند است یا نه ، مجرد است یا متأهل .

۲- نوع قرار تأمین یا قید این که متهم بازداشت است یا آزاد .

۳- نوع اتهام .

۴- دلایل اتهام .

۵- مواد قانونی مورد استناد .

۶- سابقه محکومیت کیفری در صورتی که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری باشد .

۷- تاریخ و محل وقوع جرم .

ن - قرارها را بازپرس که دادستان به آنها موافق باشد در موارد ذیل قابل اعتراض در دادگاه صالحه بوده و نظر دادگاه که در جلسه اداری خارج از نوبت و بدون حضور دادستان بعمل می آید قطعی خواهد بود :

۱- اعتراض به قرارهای منع تعقیب و موقوفی تعقیب به تقاضای شاکی خصوصی .

۲- اعتراض به قرارهای عدم صلاحیت ، بازداشت موقت ، تشدید تأمین و تأمین خواسته با تقاضای متهم .

۳- اعتراض به قرار اناطه به تقاضای شاکی خصوصی و دادستان .

اعتراض به قرارهای مذکور در بالا ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ آن می باشد . اعتراض به قرارها باعث توقف جریان تحقیقات و مانع اجرای قرار نبوده و کلیه اقدامات بازپرسی تا اخذ تصمیم دادگاه بقوت خود باقی خواهد بود و چنانچه نتیجه قرار صادره آزادی متهم زندانی باشد فوراً اجرا می شود .

هرگاه بعلت عدم کفایت دلیل قرار منع تعقیب متهم صادر و قطعی شده باشد دیگر نمی توان به همین اتهام او را تعقیب کرد ، مگر بعد از کشف لائل جدید که در این صورت فقط برای یک مرتبه می توان به درخواست دادستان وی را تعقیب نمود . هرگاه دادگاه تعقیب مجدد متهم را تجویز کند بازپرس ، رسیدگی و قرار مقتضی صادر می نماید . این امر مانع از رسیدگی به دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی نمی باشد .

تبصره ۲ - رسیدگی به جرائم داخل در صلاحیت دادگاههای نظامی از شمول این قانون خارج است و در دادسرا و دادگاه

می باشد .

دادستان نیز مکلف است ظرف پنج روز از تاریخ وصول ، پرونده را ملاحظه نموده و نظر خود را اعلام دارد .

ل - هرگاه دادستان یا نظر بازپرس در مورد مجرمیت متهم موافق باشد کیفر خواست صادر ، پرونده را از طریق بازرسی به دادگاه صالحه ارسال می نماید و در صورت توافق بازپرس و دادستان یا منع یا موقوفی تعقیب متهم ، بازپرس دستور ابلاغ قرار صادره به شاکی خصوصی را می دهد و در مورد اخیر چنانچه متهم زندانی باشد فوراً آزاد می شود .

هرگاه بین بازرس و دادستان توافق عقیده نباشد ( یک عقیده به مجرمیت یا موقوفی یا منع تعقیب متهم و دیگری عقیده عکس آنرا داشته باشد ) رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه عمومی و انقلاب محل به عمل می آید و موافق تصمیم دادگاه رفتار می شود .

م - در کیفر خواست باید نکات ذیل تصریح شود:

۱- نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، سن ، شغل ، محل اقامت متهم ، باستاند است یا نه ، مجرد است یا متأهل .

۲- نوع قرار تأمین یا قید این که متهم بازداشت است یا آزاد .

۳- نوع اتهام .

۴- دلایل اتهام .

۵- مواد قانونی مورد استناد .

۶- سابقه محکومیت کیفری در صورتی که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری باشد .

۷- تاریخ و محل وقوع جرم .

ن - قرارها را بازپرس که دادستان به آنها موافق باشد در موارد ذیل قابل اعتراض در دادگاه صالحه بوده و نظر دادگاه که در جلسه اداری خارج از نوبت و بدون حضور دادستان بعمل می آید قطعی خواهد بود :

۱- اعتراض به قرارهای منع تعقیب و موقوفی تعقیب به تقاضای شاکی خصوصی .

۲- اعتراض به قرارهای عدم صلاحیت ، بازداشت موقت ، تشدید تأمین و تأمین خواسته با تقاضای متهم .

۳- اعتراض به قرار عناطه به تقاضای شاکی خصوصی و دادستان .

اعتراض به قرارهای مذکور در بالا ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ آن می باشد . اعتراض به قرارها باعث توقف جریان تحقیقات و مانع اجرای قرار نبوده و کلیه اقدامات بازپرسی تا اخذ تصمیم دادگاه بقوت خود باقی خواهد بود و چنانچه نتیجه قرار صادره آزادی متهم زندانی باشد فوراً اجرا می شود .

هرگاه بعلت عدم کفایت دلیل قرار منع تعقیب متهم صادر و قطعی شده باشد دیگر نمی توان به همین اتهام او را تعقیب

ماده ۱۳۸۰	ماده ۱۳۸۰	نظر شورای (۱)	اصلاحیه مجلس (۱)	نظر شورای (۲)	اصلاحیه مجلس (۲)
<p>ماده ۴- به رئیس قوه قضائیه اختیار داده می شود در هر حوزه قضائی که لازم باشد به لحاظ نوع دعوی و تجربه و تخصص قضات هر یک از قضات دادگاه عمومی را به رسیدگی به دعوی حقوقی، کیفری، احوال شخصیه و امثال آن اختصاص دهد.</p> <p>ماده ۴- هر حوزه قضائی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی و جزائی تقسیم میشوند. دادگاههای حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاههای جزائی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود.</p> <p>تخصیص شعبی از دادگاههای حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزائی خاص مانند امور خانوادگی و جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است.</p> <p>در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزائی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزائی ارجاع شود.</p> <p>تبصره - رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا اعدام یا</p>	<p><b>۳- ماده (۴) به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود:</b></p> <p><b>ماده ۴-</b> هر حوزه قضائی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی و جزائی تقسیم میشوند. دادگاههای حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاههای جزائی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود.</p> <p>تخصیص شعبی از دادگاههای حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزائی خاص مانند امور خانوادگی و جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است.</p> <p>در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزائی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزائی ارجاع شود.</p> <p>تبصره - رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا اعدام یا</p>	<p>نظامی انجام می شود.</p> <p>تبصره ۳- جرائمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال می باشد و جرائم اطفال مستقیماً در دادگاههای مربوط مطرح می شود و دادسرا در این موارد دخالتی ندارد.</p> <p>تبصره ۴- جرائمی که تا تاریخ اجرای این قانون مستقیماً در دادگاه مطرح شده است در همان دادگاه بدون نیاز به کیفرخواست و رسیدگی دادسرا رسیدگی خواهد شد و چنانچه نیاز به انجام تحقیقات و یا اقداماتی جهت کشف جرم باشد دادگاه باید رأساً نسبت به انجام آن اقدام کند.</p> <p>تبصره ۵- با ارجاع دادستان یا در غیاب وی معاون دادسرا یا دادیار، عهده دار انجام تمام یا برخی از وظائف و اختیارات قانونی دادستان خواهد بود.</p> <p>تبصره ۶- در حوزه قضائی بخشها، رئیس یا دادرس علی البدل دادگاه در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، به جانشینی بازپرس تحت نظارت دادستان مربوطه اقدام می نماید و در سایر جرائم مطابق قانون رسیدگی و اقدام به صدور رأی خواهد نمود.</p>	<p>نظامی انجام می شود.</p> <p>تبصره ۳- جرائمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال می باشد و جرائم اطفال مستقیماً در دادگاههای مربوط مطرح می شود و دادسرا در این موارد دخالتی ندارد.</p> <p>تبصره ۴- جرائمی که تا تاریخ اجرای این قانون مستقیماً در دادگاه مطرح شده است در همان دادگاه بدون نیاز به کیفرخواست و رسیدگی دادسرا رسیدگی خواهد شد و چنانچه نیاز به انجام تحقیقات و یا اقداماتی جهت کشف جرم باشد دادگاه باید رأساً نسبت به انجام آن اقدام کند.</p> <p>تبصره ۵- با ارجاع دادستان یا در غیاب وی معاون دادسرا یا دادیار، عهده دار انجام تمام یا برخی از وظائف و اختیارات قانونی دادستان خواهد بود.</p> <p>تبصره ۶- در حوزه قضائی بخشها، رئیس یا دادرس علی البدل دادگاه در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، به جانشینی بازپرس تحت نظارت دادستان مربوطه اقدام می نماید و در سایر جرائم مطابق قانون رسیدگی و اقدام به صدور رأی خواهد نمود.</p> <p><b>۳- ماده (۴) به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می شود:</b></p> <p><b>ماده ۴-</b> هر حوزه قضائی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی و جزائی تقسیم می شوند. دادگاههای حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاههای جزائی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود.</p> <p>تخصیص شعبی از دادگاههای حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزائی خاص مانند امور خانوادگی و جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است.</p> <p>در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزائی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزائی ارجاع شود.</p> <p>تبصره ۱- رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی به جرائم مطبوعاتی می باشد</p>	<p>نظری شورای (۱)</p>	<p>نظری شورای (۲)</p> <p>کودک، مگر بعد از کشف لامل جدید که در این صورت فقط برای یک مرتبه می توان به درخواست دادستان وی را تعقیب نمود. هرگاه دادگاه تعقیب مجدد متهم را تجویز کند بازپرس، رسیدگی و قرار مقتضی صادر می نماید. این امر مانع از رسیدگی به درخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی نمی باشد.</p> <p>تبصره ۲- رسیدگی به جرائمی که مجازات آنها در صلاحیت دادگاههای نظامی است و در این قانون خارج است و در دادسرا و دادگاه نظامی انجام می شود.</p> <p>تبصره ۳- پروندههایی که موضوع آنها صرفاً جرائم مشمول حد زنا و لواط است، در صورت ضرورت به تشخیص دادستان، همچنین جرائمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال می باشد و جرائم اطفال مستقیماً در دادگاههای مربوط مطرح می شود و دادسرا در این موارد دخالتی ندارد.</p> <p>تبصره ۴- جرائمی که تا تاریخ اجرای این قانون مستقیماً در دادگاه مطرح شده است در همان دادگاه بدون نیاز به کیفرخواست و رسیدگی دادسرا رسیدگی خواهد شد و چنانچه نیاز به انجام تحقیقات و یا اقداماتی جهت کشف جرم باشد دادگاه باید رأساً نسبت به انجام آن اقدام کند.</p> <p>تبصره ۵- با ارجاع دادستان یا در غیاب وی معاون دادسرا یا دادیار، عهده دار انجام تمام یا برخی از وظائف و اختیارات قانونی دادستان خواهد بود.</p> <p>تبصره ۶- در حوزه قضائی بخشها، رئیس یا دادرس علی البدل دادگاه در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است، به جانشینی بازپرس تحت نظارت دادستان مربوطه اقدام می نماید و در سایر جرائم مطابق قانون رسیدگی و اقدام به صدور رأی خواهد نمود.</p> <p><b>۳- ماده (۴) به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می شود:</b></p> <p><b>ماده ۴-</b> هر حوزه قضائی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی و جزائی تقسیم می شوند. دادگاههای حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاههای جزائی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود.</p> <p>تخصیص شعبی از دادگاههای حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزائی خاص مانند امور خانوادگی و جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است.</p> <p>در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزائی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزائی ارجاع شود.</p> <p>تبصره ۱- رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها</p>

ماده ۸- قضات دادگاههای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و حکم قضیه مطروحه را صادر نمایند.

ماده ۱۰- هر حوزه قضائی به تعداد لازم شعبه دادگاه، قاضی تحقیق، دفتر دادگاه، واحد ابلاغ و اجراء احکام و در صورت لزوم یک واحد ارشاد و معاضدت قضائی خواهد داشت و در صورت تعدد شعب دارای یک دفتر کل نیز خواهد بود.

ماده ۱۲- رئیس حوزه قضائی هر شهرستان به عنوان رئیس دادگستری آن شهرستان بر کلیه دادگاههای عمومی و انقلاب نظارت و ریاست اداری دارد و همچنین رئیس دادگستری شهرستان مرکز استان نظارت و ریاست اداری بر امور دادگستریهای شهرستانهای حوزه آن استان را خواهد داشت.

تبصره - امور حسبه و کلیه اختیاراتی که در سایر قوانین بمعهده دادستان عمومی بوده به جز اختیاراتی که به موجب این قانون به رؤسای محاکم تفویض شده

حسب اید است و همچنین رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی به نحوی که در مواد بعدی ذکر می شود در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد. رسیدگی به کلیه اتهامات اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس خبرگان و شورای اسلامی، وزراء و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفراء دادستان و رئیس قضائی، استانداران، فرمانداران و افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استانها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می باشد.

۴- ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۸- قضات دادگاهها و دادسراهای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و تصمیم قضائی را اتخاذ نمایند.

۵- در ماده (۱۰) عبارت (( قاضی تحقیق )) حذف و عبارت ((ادرس علی البدل )) جانشین آن می شود.

۶- ماده (۱۲) به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف و تبصره زیر جایگزین می شود:

ماده ۱۲- در شهرستان؛ رئیس دادگستری؛ رئیس حوزه قضائی و رئیس دادگاه است و در مراکز استان رئیس کل دادگستری استان، رئیس کل دادگاههای تجدید نظر و کیفری استان است و بر کلیه دادگاهها و دادسراها و دادگستریهای حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت. همچنین رئیس دادگستری هر حوزه بر دادرسی آن حوزه نظارت و ریاست اداری دارد.

تبصره - هر قاضی منحصرأ می تواند در یک شعبه دادگاه انجام وظیفه نماید و صدور ابلاغ در بیش از یک

تذکر: در صدر ماده (۱۲) رئیس دادگستری رئیس حوزه قضائی و رئیس شعبه اول دادگاه و بر دادگاهها ریاست اداری دارد صحیح است. ۶- مطابق تبصره ماده ۱۲ قضائی که اکنون بطور همزمان وظائف متعددی را در امر قضا بمعهده دارند موظف شده اند که صرفأ در یک شعبه دادگاه انجام وظیفه نمایند. دیوارچیکه وظائف آنان به

نحوی که در مواد بعدی ذکر می شود در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد. رسیدگی به کلیه اتهامات اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان نمایندگان مجلس خبرگان و شورای اسلامی، وزراء و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفراء دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران، فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استانها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می باشد. تبصره ۲- مقررات این بند نافی صلاحیت دادگاههای اختصاصی نیست.

۴- ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۸- قضات دادگاهها و دادسراهای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و تصمیم قضائی را اتخاذ نمایند.

۵- در ماده (۱۰) عبارت (( قاضی تحقیق )) حذف و عبارت ((ادرس علی البدل )) جانشین آن می شود.

۶- ماده (۱۲) به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف و تبصره زیر جایگزین می شود:

ماده ۱۲- در شهرستان؛ رئیس دادگستری؛ رئیس حوزه قضائی و رئیس شعبه اول بر دادگاهها ریاست اداری دارد و در مراکز استان رئیس کل دادگستری استان، رئیس کل دادگاههای تجدید نظر و کیفری استان است و بر کلیه دادگاهها و دادسراها و دادگستریهای حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت. همچنین رئیس دادگستری هر حوزه بر دادرسی آن حوزه نظارت و ریاست اداری دارد.

قصاص نفس یا قصاص عضو یا جرم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی به نحوی که در مواد بعدی ذکر می شود در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد. رسیدگی به کلیه اتهامات اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان نمایندگان مجلس خبرگان و شورای اسلامی، وزراء و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفراء دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران، فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استانها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می باشد.

تبصره ۲- مقررات این بند نافی صلاحیت دادگاههای اختصاصی نیست.

۴- ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۸- قضات دادگاهها و دادسراهای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و تصمیم قضائی را اتخاذ نمایند.

۵- در ماده (۱۰) عبارت (( قاضی تحقیق )) حذف و عبارت ((ادرس علی البدل )) جانشین آن می شود.

۶- ماده (۱۲) به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف و تبصره زیر جایگزین می شود:

ماده ۱۲- در شهرستان؛ رئیس دادگستری؛ رئیس حوزه قضائی و رئیس شعبه اول بر دادگاهها ریاست اداری دارد و در مراکز استان رئیس کل دادگستری استان، رئیس کل دادگاههای تجدید نظر و کیفری استان است و بر کلیه دادگاهها و دادسراها و دادگستریهای حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت. همچنین رئیس دادگستری هر حوزه بر دادرسی آن حوزه نظارت و ریاست اداری دارد.



**مجلس مشوریه ۱۲۷۲**

تصمیمات به دستور و زیر نظر حاکم دادگاه وسیله قضات تحقیق بعمل آید یا بعضی از اقدامات و تحقیقات به همین ترتیب توسط ضابطین دادگستری یا مراجع ذیصلاح دیگر انجام شود.

**ماده ۱۵ -** قضات تحقیق تحت نظارت قضات دادگاههای حوزه قضائی عهده دار انجام کلیه اموری هستند که در جریان تعقیب و رسیدگی و اجرا به آنان ارجاع میشود.

**ماده ۱۸ -** آراء دادگاههای عمومی و انقلاب اعم از حکم یا قرار در موارد مذکور در مواد آتی قابل تجدید نظر میباشد.

۱- قاضی صادر کننده رأی متوجه اشتباه رأی خود شود.

۲- قاضی دیگری پی به اشتباه رأی صادره ببرد بنحوی که اگر به قاضی صادر کننده رأی تذکر دهد متنبه گردد.

۳- ثابت شود قاضی صادر کننده رأی صلاحیت رسیدگی و انشاء رأی را نداشته است.

تبصره - در مورد بندهای ۱ و ۲ مرجع تجدید نظر رأی را نقض و رسیدگی می نماید و در مورد بند ۳ مرجع تجدید نظر بدو به اصل ادعای عدم صلاحیت رسیدگی و در صورت احراز، رسیدگی مجدد را انجام خواهد داد.

**مجلس مشوریه ۱۲۸۰**

خواهد شد.

ج - دادگاههای عمومی جزائی و انقلاب با حضور رئیس دادگاه یا دادرسی علی البدل و دادستان یا معاون او یا یکی از دایران به تعیین دادستان تشکیل می گردد و فقط به جرائم مندرج در کیفر خواست وفق قانون آئین دادرسی مربوط رسیدگی می نماید و انشای رأی پس از استماع نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او وفق قانون بر عهده قاضی دادگاه است.

تبصره ۱ - هرگاه دادگاه نقضی در تحقیقات مشاهده نموده یا انجام اقدامی را لازم بداند، خود تکمیل می نماید و نیز می تواند رفع نقص و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادرسی مربوط درخواست کند.

**۹- ماده (۱۵) به شرح زیر اصلاح می گردد:**

**ماده ۱۵ -** دادرسان علی البدل عهده دار انجام کلیه اموری هستند که از طرف رؤسای دادگاهها در چار چوب قوانین به آنان ارجاع می شود و در غیاب رئیس شعبه دادگاه حسب تعیین رئیس کل دادگاهها شعبه بلامتصدی را تصدی و اداره می نمایند.

**۱۰- متن زیر به عنوان ماده (۱۸) و تبصره های آن به قانون صدالذکر افزوده می شود.**

**ماده ۱۸ -** آرای غیر قطعی و قابل تجدید نظر یا فرجام ، همان می باشد که در قوانین آیین دادرسی دادگاهها عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی و ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی ذکر گردیده است. در مورد آرای قابل تجدید نظر یا فرجام، تجدید نظر و فرجام خواهی بر طبق مقررات آئین دادرسی مربوط انجام می شود.

در مورد آرای قطعی، جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر است نمی توان رسیدگی مجدد نمود مگر اینکه رأی، خلاف بین قانون یا شرع باشد که در آن صورت به درخواست محکوم علیه (چه در امور مدنی و چه در امور کیفری) و یا دادستان مربوط (در امور کیفری) ممکن است مورد تجدید نظر واقع شود.

تبصره ۱ - مراد از خلاف بین این است که رأی بر خلاف نص صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلمات فقه باشد.

تبصره ۲ - درخواست تجدید نظر نسبت به آراء قطعی مذکور در ماده فوق اعم از اینکه رأی در مرحله نخستین صادر شده و به علت انقضای مهلت تجدید نظر خواهی

**مجلس مشوریه (۱)**

خواهد شد.

ج - دادگاههای عمومی جزائی و انقلاب با حضور رئیس دادگاه یا دادرسی علی البدل و دادستان یا معاون او یا یکی از دایران به تعیین دادستان تشکیل می گردد و فقط به جرائم مندرج در کیفر خواست وفق قانون آئین دادرسی مربوط رسیدگی می نماید و انشای رأی پس از استماع نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او وفق قانون بر عهده قاضی دادگاه است.

تبصره ۱ - هرگاه دادگاه نقضی در تحقیقات مشاهده نموده یا انجام اقدامی را لازم بداند، خود تکمیل می نماید و نیز می تواند رفع نقص و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادرسی مربوط درخواست کند.

**۹- ماده (۱۵) به شرح زیر اصلاح می گردد:**

**ماده ۱۵ -** دادرسان علی البدل عهده دار انجام کلیه اموری هستند که از طرف رؤسای دادگاهها در چار چوب قوانین به آنان ارجاع می شود و در غیاب رئیس شعبه دادگاه حسب تعیین رئیس کل دادگاهها شعبه بلامتصدی را تصدی و اداره می نمایند.

**۱۰- متن زیر به عنوان ماده (۱۸) و تبصره های آن به قانون صدالذکر افزوده می شود.**

**ماده ۱۸ -** آرای غیر قطعی و قابل تجدید نظر یا فرجام ، همان می باشد که در قوانین آیین دادرسی دادگاهها عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی و ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی ذکر گردیده است. در مورد آرای قابل تجدید نظر یا فرجام، تجدید نظر و فرجام خواهی بر طبق مقررات آئین دادرسی مربوط انجام می شود.

در مورد آرای قطعی، جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر است نمی توان رسیدگی مجدد نمود مگر اینکه رأی، خلاف بین قانون یا شرع باشد که در آن صورت به درخواست محکوم علیه (چه در امور مدنی و چه در امور کیفری) و یا دادستان مربوط (در امور کیفری) ممکن است مورد تجدید نظر واقع شود.

تبصره ۱ - مراد از خلاف بین این است که رأی بر خلاف نص صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلمات فقه باشد.

تبصره ۲ - درخواست تجدید نظر نسبت به آراء قطعی مذکور در این ماده اعم از اینکه رأی در مرحله نخستین صادر شده و به علت انقضای مهلت تجدید نظر خواهی قطعی شده باشد یا

**۹- با توجه به مفاد ماده (۱۸) لازم است تصریح شود که آیا ماده ۲۳۵ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (امور کیفری) نسخ شده است یا خیر، از این جهت ابهام دارد پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.**

**۱۰- در تبصره (۲) ماده ۱۸ قید ظرف یکماه جهت درخواست تجدید نظر به شعبه**

**اصلاحیه مجلس (۱)**

خواهد شد.

ج - دادگاههای عمومی جزائی و انقلاب با حضور رئیس دادگاه یا دادرسی علی البدل و دادستان یا معاون او یا یکی از دایران به تعیین دادستان تشکیل می گردد و فقط به جرائم مندرج در کیفر خواست وفق قانون آئین دادرسی مربوط رسیدگی می نماید و انشای رأی پس از استماع نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او وفق قانون بر عهده قاضی دادگاه است.

تبصره ۱ - هرگاه دادگاه نقضی در تحقیقات مشاهده نموده یا انجام اقدامی را لازم بداند، خود تکمیل می نماید و نیز می تواند رفع نقص و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادرسی مربوط درخواست کند.

**۹- ماده (۱۵) به شرح زیر اصلاح می گردد:**

**ماده ۱۵ -** دادرسان علی البدل عهده دار انجام کلیه اموری هستند که از طرف رؤسای دادگاهها در چار چوب قوانین به آنان ارجاع می شود و در غیاب رئیس شعبه دادگاه حسب تعیین رئیس کل دادگاهها شعبه بلامتصدی را تصدی و اداره می نمایند.

**۱۰- متن زیر به عنوان ماده (۱۸) و تبصره های آن به قانون صدالذکر افزوده می شود.**

**ماده ۱۸ -** آرای غیر قطعی و قابل تجدید نظر یا فرجام ، همان می باشد که در قوانین آیین دادرسی دادگاهها عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی و ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی ذکر گردیده است. در مورد آرای قابل تجدید نظر یا فرجام، تجدید نظر و فرجام خواهی بر طبق مقررات آئین دادرسی مربوط انجام می شود.

در مورد آرای قطعی، جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر است نمی توان رسیدگی مجدد نمود مگر اینکه رأی، خلاف بین قانون یا شرع باشد که در آن صورت به درخواست محکوم علیه (چه در امور مدنی و چه در امور کیفری) و یا دادستان مربوط (در امور کیفری) ممکن است مورد تجدید نظر واقع شود.

تبصره ۱ - مراد از خلاف بین این است که رأی بر خلاف نص صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلمات فقه باشد.

تبصره ۲ - درخواست تجدید نظر نسبت به آراء قطعی مذکور در این ماده اعم از اینکه رأی در مرحله نخستین صادر شده و به علت انقضای مهلت تجدید نظر خواهی قطعی شده باشد یا

**۲- با توجه به مذاکرات منقول از کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی بقاء**

**اصلاحیه مجلس (۲)**

قضائی زن که دارای پایه قضائی است اقدام به رسیدگی نموده و نظر مشورتی آنان قبل از صدور حکم توسط رئیس دادگاه اخذ خواهد شد.

ج - دادگاههای عمومی جزائی و انقلاب با حضور رئیس دادگاه یا دادرسی علی البدل و دادستان یا معاون او یا یکی از دایران به تعیین دادستان تشکیل می گردد و فقط به جرائم مندرج در کیفر خواست وفق قانون آئین دادرسی مربوط رسیدگی می نماید و انشای رأی پس از استماع نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او وفق قانون بر عهده قاضی دادگاه است.

تبصره ۱ - هرگاه دادگاه نقضی در تحقیقات مشاهده نموده یا انجام اقدامی را لازم بداند، خود تکمیل می نماید و نیز می تواند رفع نقص و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادرسی مربوط درخواست کند.

**۹- ماده (۱۵) به شرح زیر اصلاح می گردد:**

**ماده ۱۵ -** دادرسان علی البدل عهده دار انجام کلیه اموری هستند که از طرف رؤسای دادگاهها در چار چوب قوانین به آنان ارجاع می شود و در غیاب رئیس شعبه دادگاه حسب تعیین رئیس کل دادگاهها شعبه بلامتصدی را تصدی و اداره می نمایند.

**۱۰- متن زیر به عنوان ماده (۱۸) و تبصره های آن به قانون صدالذکر افزوده می شود.**

**ماده ۱۸ -** آرای غیر قطعی و قابل تجدید نظر یا فرجام ، همان می باشد که در قوانین آیین دادرسی دادگاهها عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی و ۱۳۷۹/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی ذکر گردیده است. در مورد آرای قابل تجدید نظر یا فرجام، تجدید نظر و فرجام خواهی بر طبق مقررات آئین دادرسی مربوط انجام می شود.

در مورد آرای قطعی، جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر است نمی توان رسیدگی مجدد نمود مگر اینکه رأی، خلاف بین قانون یا شرع باشد که در آن صورت به درخواست محکوم علیه (چه در امور مدنی و چه در امور کیفری) و یا دادستان مربوط (در امور کیفری) ممکن است مورد تجدید نظر واقع شود.

تبصره ۱ - مراد از خلاف بین این است که رأی بر خلاف نص صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلمات فقه باشد.

تبصره ۲ - درخواست تجدید نظر نسبت به آراء قطعی مذکور



ماده ۲۰- تبصره - رئیس دادگاه تجدید نظر میتواند رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی نیز باشد مگر در مورد احکامی که خود صادر نموده که در این صورت دادرس علی البدل به قائم مقامی رئیس رسیدگی خواهد کرد.

ماده ۲۰- تبصره ۱۱- تبصره ذیل ماده (۲۰) حذف و دو تبصره زیر آن ماده الحاق می گردد:

تبصره ۱- رسیدگی به جرائم که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا حبس یا سلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائاً در دادگاه تجدید نظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور (( دادگاه کیفری استان)) نامیده می شود. دادگاه کیفری استان) نامیده می شود. دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا اعدام یا حبس یا سلب یا حبس دائم باشد از پنج نفر ( رئیس و چهار مستشار یا دادرسی علی البدل دادگاه تجدید نظر استان ) و برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قطع عضو و یا حد

یا بخشی از دیوان که شعبه تشخیص نامیده می شود. خلاف موازین شرع تشخیص داده شد.

۱۱- در تبصره (۳) ماده (۱۸) قرار رد درخواست تجدید نظر خواهی نسبت به درخواست خواهانی که ظرف ده روز پس از اخطار دفتر شعبه تشخیص، هزینه را پرداخت ننمایند، این قرار قطعی و غیر قابل اعتراض می باشد. اگر تجدید نظر خواهی از سوی دادستان مربوط باشد، دادستان از پرداخت هزینه دادرسی معاف است. این معافیت شامل سایر مواردی هم که دادستان تقاضای تجدید نظر نماید می باشد.

تبصره ۴- از هیچ حکم قطعی یا قطعی یافته بیش از یک بار نمی توان به عنوان خلاف بین درخواست تجدید نظر نمود.

تبصره ۵- در مواردی که بر حسب قانون دیوان عالی کشور باید اعاده دادرسی را تجویز کند، این امر با شعبه تشخیص مذکور در تبصره (۲) خواهد بود.

۱۱- تبصره ذیل ماده (۲۰) حذف و هفت تبصره به آن ماده الحاق می گردد:

۱۳- در ذیل تبصره (۱) ماده (۲۰) عنوان شده است که وفق مقررات قوالتین محاکم جنائی مصوب ۱۳۳۷ و ۱۳۳۹ رسیدگی می شود چون این قوانین منسوخ گردیده اند طرح مجدد آنها منوط به طی مراحل قانونی است. لذا مغایر اصول ۷۲ و ۷۴ و ۹۴ قانون

قانونا قطعی باشد و یا از مرجع تجدید نظر صادر گردیده باشد باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی به شعبه یا شعبی از دیوان عالی کشور که « شعبه تشخیص » نامیده می شود تقدیم گردد. شعبه تشخیص از پنج نفر از قضات دیوان مذکور به انتخاب رئیس قوه قضائیه تشکیل می شود.

در صورتی که شعبه تشخیص وجود خلاف بین را احراز نماید، رأی را نقض و رأی مقتضی صادر می نماید. چنانچه وجود خلاف بین را احراز نکند، قرار رد درخواست تجدید نظر خواهی را صادر خواهد نمود. تصمیمات یاد شده شعبه تشخیص در هر صورت قطعی و غیر قابل اعتراض می باشد. مگر آنکه رئیس قوه قضائیه از هر طریقی رأی صادره را خلاف بین شرع تشخیص دهد که در این صورت جهت رسیدگی، به مرجع صالح ارجاع خواهد شد.

تبصره ۳- خواهان تجدید نظر باید هزینه تجدید نظر خواهی را وفق قانون پرداخت کند و چنانچه ظرف ده روز پس از اخطار دفتر شعبه تشخیص، بدون عذر هزینه را پرداخت ننماید، این شعبه تشخیص قرار رد درخواست او صادر خواهد نمود. اگر قرار قطعی و غیر قابل اعتراض می باشد. اگر تجدید نظر خواهی از سوی دادستان مربوط باشد، دادستان از پرداخت هزینه دادرسی معاف است. این معافیت شامل سایر مواردی هم که دادستان تقاضای تجدید نظر نماید می باشد.

تبصره ۴- از هیچ حکم قطعی یا قطعی یافته بیش از یک بار نمی توان به عنوان خلاف بین درخواست تجدید نظر نمود.

تبصره ۵- در مواردی که بر حسب قانون دیوان عالی کشور باید اعاده دادرسی را تجویز کند، این امر با شعبه تشخیص مذکور در تبصره (۲) این ماده خواهد بود.

۱۱- تبصره ذیل ماده (۲۰) حذف و هفت تبصره به آن ماده الحاق می گردد:

تبصره ۱- رسیدگی به جرائم که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا حبس یا سلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائاً در دادگاه تجدید نظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور « دادگاه کیفری استان » نامیده می شود. دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قطع عضو و یا حد از پنج نفر ( رئیس و چهار مستشار یا دادرسی علی البدل دادگاه تجدید نظر استان ) و برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قطع عضو و یا حد

ایراد بند (۱۰) در شورای نگهبان رأی لازم را نیاورد لکن هرگاه منظور این باشد که بعد از گذشت یک ماه رئیس قوه قضائیه هم تواند رأی به خلاف بین بودن بدهد و پرونده را به مرجع صالح ارجاع نماید این ممنوعیت خلاف شرع می باشد.

۳- چون در تبصره (۴) هیچگونه تغییری بعمل نیامده لذا ایراد بند (۱۲) به قوت خود باقی است.

۱۱- تبصره ذیل ماده (۲۰) حذف و هفت تبصره به آن ماده الحاق می گردد:

تبصره ۱- رسیدگی به جرائم که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا حبس یا سلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائاً در دادگاه تجدید نظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور « دادگاه کیفری استان » نامیده می شود. دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا اعدام یا حبس یا سلب یا حبس دائم باشد از پنج نفر ( رئیس و چهار مستشار یا دادرسی علی البدل دادگاه تجدید نظر استان ) و برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قطع عضو و یا حد

در این ماده اعم از اینکه رأی در مرحله نخستین صادر شده و به علت نقضی مهلت تجدید نظر خواهی قطعی شده باشد یا قانونا قطعی باشد و یا از مرجع تجدید نظر صادر گردیده باشد باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی به شعبه یا شعبی از دیوان عالی کشور که « شعبه تشخیص » نامیده می شود تقدیم گردد. شعبه تشخیص از پنج نفر از قضات دیوان مذکور به انتخاب رئیس قوه قضائیه تشکیل می شود.

در صورتی که شعبه تشخیص وجود خلاف بین را احراز نماید، رأی را نقض و رأی مقتضی صادر می نماید. چنانچه وجود خلاف بین را احراز نکند، قرار رد درخواست تجدید نظر خواهی را صادر خواهد نمود. تصمیمات یاد شده شعبه تشخیص در هر صورت قطعی و غیر قابل اعتراض می باشد. مگر آنکه رئیس قوه قضائیه از هر طریقی رأی صادره را خلاف بین شرع تشخیص دهد که در این صورت جهت رسیدگی، به مرجع صالح ارجاع خواهد شد.

تبصره ۳- خواهان تجدید نظر باید هزینه تجدید نظر خواهی را وفق قانون پرداخت کند و چنانچه ظرف ده روز پس از اخطار دفتر شعبه تشخیص، بدون عذر هزینه را پرداخت ننماید، این قرار قطعی و غیر قابل اعتراض می باشد. اگر تجدید نظر خواهی از سوی دادستان مربوط باشد، دادستان از پرداخت هزینه دادرسی معاف است. این معافیت شامل سایر مواردی هم که دادستان تقاضای تجدید نظر نماید می باشد.

تبصره ۴- جز در مورد اختیار ذیل تبصره (۲) این ماده از هیچ حکم قطعی یا قطعی یافته بیش از یک بار نمی توان به عنوان خلاف بین درخواست تجدید نظر نمود.

تبصره ۵- در مواردی که بر حسب قانون دیوان عالی کشور باید اعاده دادرسی را تجویز کند، این امر با شعبه تشخیص مذکور در تبصره (۲) این ماده خواهد بود.

۱۱- تبصره ذیل ماده (۲۰) حذف و هفت تبصره به آن ماده الحاق می گردد:

تبصره ۱- رسیدگی به جرائم که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا حبس یا سلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائاً در دادگاه تجدید نظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور « دادگاه کیفری استان » نامیده می شود. دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا اعدام یا حبس یا سلب یا حبس دائم باشد از پنج نفر ( رئیس و چهار مستشار یا دادرسی علی البدل دادگاه تجدید نظر استان ) و برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قطع عضو و یا حد

اکثر مجازات قانونی آنها حبس بیش از ده سال و جرائم مطبوعاتی و سیاسی باشد از سه نفر ( رئیس و دو مستشار یا دادرسی علی البدل دادگاه تجدید نظر استان) تشکیل می شود و وفق مقررات قوانین محاکم جنائی - مصوب ۱۳۳۷ و ۱۳۳۹ - رسیدگی می نماید . دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی با حضور هیأت منصفه تشکیل خواهد شد .

تبصره ۲- در شهرستان مرکز استان ، رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان می باشد و رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی مرکز استان رئیس کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود و در غیر مرکز استان رئیس هر حوزه قضائی، رئیس شعبه اول دادگاه عمومی آن حوزه قضائی است .

**اساسی شناخته شد همچنین اطلاق رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی صرفاً در دادگاه کیفری استان چون در مواردی موجب تضییع حقوق مردم می شود لذا خلاف موازین شرع و اصل ۱۵۶ قانون اساسی شناخته شد .**

رسیدگی ، کیفیت محاکمه و صدور رأی این دادگاه تا تصویب قانون آیین دادرسی مناسب مطابق مقررات این قانون و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی خواهد بود . دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی با حضور هیأت منصفه تشکیل خواهد شد .

تبصره ۲- در مرکز هر استان حسب نیاز ، شعبه یا شعبی از دادگاه تجدید نظر بعنوان ( دادگاه کیفری استان ) برای رسیدگی به جرائم مربوط اختصاص می یابد . تعداد شعبه یا شعبی که برای این امر اختصاص می یابد به تشخیص رئیس قوه قضائیه خواهد بود .

دادستان شهرستان مرکز استان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان ، وظائف دادستان را در دادگاه کیفری استان انجام می دهد . قبل از استماع اظهارات شاکی و متهم ، اظهارات دادستان یا نماینده وی و شهود و اهل خبره ای که دادستان معرفی کرده بیان می شود .

تبصره ۳- برای تسهیل یا تسریع در امر دادرسی ، رئیس قوه قضائیه می تواند موقتاً امر به تشکیل دادگاه کیفری استان در شهرستان محل وقوع جرم بدهد . در این صورت دادستان همان محل یا معاون او یا یکی از دادیاران آن حوزه ، وظائف دادستان را در دادگاه مذکور به عهده خواهند داشت . دادگاه کیفری استان با حضور رئیس و تمامی مستشاران رسمیت می یابد .

تبصره ۴- دادگاه کیفری استان پس از ختم رسیدگی با استنات از خدانوند سبحان و وجدان مشاوره نموده و با توجه به محتویات پرونده مبادرت به صدور رأی می نماید و نظر اکثریت اعضای دادگاه مناط اعتبار است . این رأی ظرف مهلت مقرر قابل تجدید نظر خواهی در دیوان عالی کشور می باشد . ترتیب رسیدگی همان است که در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مقرر شده است .

تبصره ۵ - اشخاص ذیل می توانند از رأی دادگاه کیفری استان تقاضای تجدید نظر نمایند :

الف - محکوم علیه یا نماینده قانونی وی .

ب - دادستان .

ج - مدعی خصوصی یا نماینده قانونی وی از حیث ضرر و زیان .

تبصره ۶ - اجرای احکام کیفری « دادگاه کیفری استان » توسط دادسرای شهرستان مرکز استان وفق مقررات مربوط در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضا

رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو و جرائم مطبوعاتی و سیاسی باشد از سه نفر ( رئیس و دو مستشار یا دادرسی علی البدل دادگاه تجدید نظر استان ) تشکیل می شود . تشکیلات ، ترتیب رسیدگی ، کیفیت محاکمه و صدور رأی این دادگاه تا تصویب قانون آیین دادرسی مناسب مطابق مقررات این قانون و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی خواهد بود . دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی با حضور هیأت منصفه تشکیل خواهد شد .

تبصره ۲- در مرکز هر استان حسب نیاز ، شعبه یا شعبی از دادگاه تجدید نظر بعنوان ( دادگاه کیفری استان ) برای رسیدگی به جرائم مربوط اختصاص می یابد . تعداد شعبه یا شعبی که برای این امر اختصاص می یابد به تشخیص رئیس قوه قضائیه خواهد بود .

دادستان شهرستان مرکز استان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان ، وظائف دادستان را در دادگاه کیفری استان انجام می دهد . قبل از استماع اظهارات شاکی و متهم ، اظهارات دادستان یا نماینده وی و شهود و اهل خبره ای که دادستان معرفی کرده بیان می شود .

تبصره ۳- برای تسهیل یا تسریع در امر دادرسی ، رئیس قوه قضائیه می تواند موقتاً امر به تشکیل دادگاه کیفری استان در شهرستان محل وقوع جرم بدهد . در این صورت دادستان همان محل یا معاون او یا یکی از دادیاران آن حوزه ، وظائف دادستان را در دادگاه مذکور به عهده خواهند داشت . دادگاه کیفری استان با حضور رئیس و تمامی مستشاران رسمیت می یابد .

تبصره ۴- دادگاه کیفری استان پس از ختم رسیدگی با استنات از خدانوند سبحان و وجدان مشاوره نموده و با توجه به محتویات پرونده مبادرت به صدور رأی می نماید و نظر اکثریت اعضای دادگاه مناط اعتبار است . این رأی ظرف مهلت مقرر قابل تجدید نظر خواهی در دیوان عالی کشور می باشد . ترتیب رسیدگی همان است که در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مقرر شده است .

تبصره ۵ - اشخاص ذیل می توانند از رأی دادگاه کیفری استان تقاضای تجدید نظر نمایند :

الف - محکوم علیه یا نماینده قانونی وی .

ب - دادستان .

ج - مدعی خصوصی یا نماینده قانونی وی از حیث ضرر و زیان .

ماده ۲۱- مرجع تجدید نظر آراء دادگاههای عمومی و انقلاب هر شهرستان دادگاه تجدید نظر مرکز همان استان است مگر در موارد ذیل که مرجع تجدید نظر آن دیوانعالی کشور خواهد بود.

- ۱- اعدام و رجم .
- ۲- قطع عضو قصاص نفس و اطراف .
- ۳- مصادره و ضبط اموال .
- ۴- مجازات حبس بیش از ده سال .
- ۵- حکمی که خواسته آن از بیست میلیون ریال متجاوز باشد .
- ۶- احکام راجع به اصل نکاح و طلاق .
- ۷- احکام راجع به نسبت و وقف و حبس و تولیت .

۱۲- ماده (۲۱) به شرح زیر اصلاح می شود :

ماده ۲۱- مرجع تجدید نظر آراء قابل تجدید نظر دادگاههای عمومی حقوقی و جزائی انقلاب ، دادگاه تجدید نظر استانی است که آن دادگاهها در حوزه قضائی آن استان قرار دارند .

آراء دادگاههای کیفری استان و آن دسته از آراء دادگاههای تجدید نظر استان که قابل فرجام باشد ظرف مهلت مقرر برای تجدید نظر خواهی ، قابل فرجام در دیوان عالی کشور است .

۱۳- ماده (۲۲) و تبصره های آن بشرح زیر اصلاح می گردد :

ماده ۲۲- رسیدگی دادگاه تجدید نظر استان به درخواست تجدید نظر از احکام قابل تجدید نظر دادگاههای عمومی جزائی و انقلاب وفق مقررات قانونی آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری با حضور دادستان یا یکی از دادیاران یا معاونان وی به عمل می آید و در مورد آراء حقوقی وفق قانون آئین دادرسی مربوط خواهد بود .

تبصره ۱- اگر در دادگاه تجدید نظر متهم بی گناه شناخته شود حکم بدوی فسخ و متهم تبرئه می گردد ، هر چند که در خواست تجدید نظر نکرده باشد و در این صورت اگر متهم در زندان باشد فوراً آزاد می شود .

تبصره ۲- هرگاه دادگاه تجدید نظر پس از رسیدگی محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تأیید حکم بدوی مستدلاً میتواند مجازات او را تخفیف دهد ، هر چند که محکوم علیه تقاضای تجدید نظر

مجلس شورای اسلامی خواهد بود .

تبصره ۷- در شهرستان مرکز استان ، رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان می باشد و رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی مرکز استان رئیس کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود و در غیر مرکز استان رئیس هر حوزه قضائی ، رئیس شعبه اول دادگاه عمومی آن حوزه قضائی است .

۱۲- ماده (۲۱) به شرح زیر اصلاح می شود :

ماده ۲۱- مرجع تجدید نظر آراء قابل تجدید نظر دادگاههای عمومی حقوقی و جزائی و انقلاب ، دادگاه تجدید نظر استانی است که آن دادگاهها در حوزه قضائی آن استان قرار دارند .

آراء دادگاههای کیفری استان و آن دسته از آراء دادگاههای تجدید نظر استان که قابل فرجام باشد ظرف مهلت مقرر برای تجدید نظر خواهی ، قابل فرجام در دیوان عالی کشور است .

۱۳- ماده (۲۲) و تبصره های آن بشرح زیر اصلاح می گردد :

ماده ۲۲- رسیدگی دادگاه تجدید نظر استان به درخواست تجدید نظر از احکام قابل تجدید نظر دادگاههای عمومی جزائی و انقلاب وفق مقررات قانونی آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با حضور دادستان یا یکی از دادیاران یا معاونان وی به عمل می آید و در مورد آراء حقوقی وفق قانون آئین دادرسی مربوط خواهد بود .

تبصره ۱- اگر در دادگاه تجدید نظر متهم بی گناه شناخته شود حکم بدوی فسخ و متهم تبرئه می گردد ، هر چند که در خواست تجدید نظر نکرده باشد و در این صورت اگر متهم در زندان باشد فوراً آزاد می شود .

تبصره ۲- هرگاه دادگاه تجدید نظر پس از رسیدگی محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تأیید حکم بدوی

تبصره ۶- اجرای احکام کیفری « دادگاه کیفری استان » توسط دادسرای شهرستان مرکز استان وفق مقررات مربوط در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی خواهد بود .

تبصره ۷- در شهرستان مرکز استان ، رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان می باشد و رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی مرکز استان رئیس کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود و در غیر مرکز استان رئیس هر حوزه قضائی ، رئیس شعبه اول دادگاه عمومی آن حوزه قضائی است .

۱۲- ماده (۲۱) به شرح زیر اصلاح می شود :

ماده ۲۱- مرجع تجدید نظر آراء قابل تجدید نظر دادگاههای عمومی حقوقی و جزائی و انقلاب ، دادگاه تجدید نظر استانی است که آن دادگاهها در حوزه قضائی آن استان قرار دارند .

آراء دادگاههای کیفری استان و آن دسته از آراء دادگاههای تجدید نظر استان که قابل فرجام باشد ظرف مهلت مقرر برای تجدید نظر خواهی ، قابل فرجام در دیوان عالی کشور است .

۱۳- ماده (۲۲) و تبصره های آن بشرح زیر اصلاح می گردد :

ماده ۲۲- رسیدگی دادگاه تجدید نظر استان به درخواست تجدید نظر از احکام قابل تجدید نظر دادگاههای عمومی جزائی و انقلاب وفق مقررات قانونی آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با حضور دادستان یا یکی از دادیاران یا معاونان وی به عمل می آید و در مورد آراء حقوقی وفق قانون آئین دادرسی مربوط خواهد بود .

تبصره ۱- اگر در دادگاه تجدید نظر متهم بی گناه شناخته شود حکم بدوی فسخ و متهم تبرئه می گردد ، هر چند که در خواست تجدید نظر نکرده باشد و در این صورت اگر متهم در زندان باشد فوراً آزاد می شود .

تبصره ۲- هرگاه دادگاه تجدید نظر پس از رسیدگی محکوم

کتاب مصوبه ۱۳۷۲	متن مصوبه ۱۳۸۰	نظر سورا (۱)	اصلاحیه مجلس (۱)	نظر سورا (۲)	اصلاحیه مجلس (۲)
<p>تبصره - چنانچه رئیس دادگاه تجدید نظر ریاست شعبه اول دادگاههای عمومی را عهده دار باشد ارجاع توسط دادگاه تجدید نظر انجام میگردد و در غیر اینصورت پرونده پس از نقض بمنظور ارجاع به نظر رئیس شعبه اول خواهد رسید .</p> <p>۳- در صورتیکه متهم بی گناه شناخته شود حکم را نقض و متهم تبرئه خواهد شد هر چند محکوم علیه در خواست تجدید نظر نکرده باشد .</p> <p>۴- اگر حکم تجدید نظر خواسته از نظر احتساب محکوم به یا خسارت یا تعیین مشخصات طرفین دعوی یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون یا نقایص نظیر آنها که متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه وارد نسازد دادگاه تجدید نظر یا دیوانعالی کشور که در مقام تجدید نظر عمل میکند اشتباه را رفع و رأی را تأیید خواهد نمود .</p> <p>تبصره ۱- در امور حقوقی مرجع تجدید نظر فقط نسبت به آنچه مورد در خواست تجدید نظر واقع شده است رسیدگی خواهد نمود و نسبت به آن قسمت که مورد درخواست تجدید نظر نمی باشد حق رسیدگی و اظهار نظر ندارد .</p> <p>تبصره ۲- در احکام کیفری مرجع تجدید نظر نمی تواند مجازات تعزیری مقرر در حکم بدوی را تشدید نماید .</p>	<p>نکرده باشد .</p> <p>تبصره ۳- در امور کیفری مرجع تجدید نظر نمی تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدید کند ، مگر اینکه دادستان یا شاکی خصوصی در خواست تجدید نظر کرده باشد .</p> <p>تبصره ۴- اگر حکم تجدید نظر خواسته از نظر محاسبه محکوم به یا خسارت یا تعیین مشخصات طرفهای دعوا یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه ای وارد نسازد ، مرجع تجدید نظر با اصلاح حکم آن را تأیید می نماید و تذکر لازم را به دادگاه بدوی خواهد داد .</p>	<p>۱۴- تبصره ( ۳ ) ماده ( ۲۲ ) چون شامل امور غیر تعزیری نیز می شود لذا اطلاق آن خلاف موازین شرع تشخیص داده شد .</p>	<p>مستدلاً میتواند مجازات او را تخفیف دهد ، هر چند که محکوم علیه تقاضای تجدید نظر نکرده باشد .</p> <p>تبصره ۳- در امور کیفری موضوع مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده مرجع تجدید نظر نمی تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدید کند ، مگر اینکه دادستان یا شاکی خصوصی در خواست تجدید نظر کرده باشد .</p> <p>تبصره ۴- اگر حکم تجدید نظر خواسته از نظر محاسبه محکوم به یا خسارت یا تعیین مشخصات طرفهای دعوا یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه ای وارد نسازد ، مرجع تجدید نظر با اصلاح حکم آن را تأیید می نماید و تذکر لازم را به دادگاه بدوی خواهد داد .</p>		<p>علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تأیید حکم بدوی مستدلاً میتواند مجازات او را تخفیف دهد ، هر چند که محکوم علیه تقاضای تجدید نظر نکرده باشد .</p> <p>تبصره ۳- در امور کیفری موضوع مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده مرجع تجدید نظر نمی تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدید کند ، مگر اینکه دادستان یا شاکی خصوصی در خواست تجدید نظر کرده باشد .</p> <p>تبصره ۴- اگر حکم تجدید نظر خواسته از نظر محاسبه محکوم به یا خسارت یا تعیین مشخصات طرفهای دعوا یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه ای وارد نسازد ، مرجع تجدید نظر با اصلاح حکم آن را تأیید می نماید و تذکر لازم را به دادگاه بدوی خواهد داد .</p>
<p>ماده ۲۶- ۲- در مورد امور کیفری : الف - محکوم علیه یا نماینده قانونی او . ب - شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او از هر جهت برائت متهم یا از حیث ضرر و زیان -</p>	<p>۱۴- عبارت زیر به عنوان بند (ج) به قسمت (۲) ماده (۲۶) الحاق می گردد : ج - دادستان از حکم برائت یا محکومیت غیر قانونی متهم .</p>		<p>۱۴- عبارت زیر به عنوان بند (ج) به قسمت (۲) ماده (۲۶) الحاق می گردد : ج - دادستان از حکم برائت یا محکومیت غیر قانونی متهم .</p>		<p>۱۴- عبارت زیر به عنوان بند (ج) به قسمت (۲) ماده (۲۶) الحاق می گردد : ج - دادستان از حکم برائت یا محکومیت غیر قانونی متهم .</p>

متن مصوبه ۱۳۷۳	متن مصوبه ۱۳۸۰	نظر شورا (۱)	اصلاحیه مجلس (۱)	نظر شورا (۲)	اصلاحیه مجلس (۲)
<p>ماده ۳۸- از تاریخ تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب در هر حوزه قضائی کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن در همان حوزه لغو می گردد .</p>	<p>۱۵- ماده ذیل جایگزین ماده (۳۸) می گردد :  <b>ماده ۳۸-</b> دولت مکلف است در قالب قانون بودجه سالانه، اعتبارات لازم را برای تهیه وسایل و تجهیزات لازم و به کارگیری نیروی انسانی جهت اجرای این قانون تأمین نماید.</p> <p>۱۶- ماده ذیل به عنوان ماده (۳۹) الحاقی می گردد :  <b>ماده ۳۹-</b> از تاریخ اجرای این قانون در هر حوزه قضائی کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون در آن قسمت که مغایرت دارد در همان حوزه نسخ و لغو می شود .</p>		<p>۱۵- ماده ذیل جایگزین ماده (۳۸) می گردد :  <b>ماده ۳۸-</b> دولت مکلف است در قالب قانون بودجه سالانه ، اعتبارات لازم را برای تهیه وسایل و تجهیزات لازم و به کارگیری نیروی انسانی جهت اجرای این قانون تأمین نماید .</p> <p>۱۶- ماده ذیل به عنوان ماده (۳۹) الحاقی می گردد :  <b>ماده ۳۹-</b> از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون ، مواد (۲۳۵) و (۲۶۸) قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی حقوقی مجلس شورای اسلامی و مواد (۳۲۶) ، (۴۱۱) و (۴۱۲) قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ نسخ می گردد . همچنین از تاریخ اجرای این قانون در هر حوزه قضائی کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون در آن قسمت که مغایرت دارد در همان حوزه منسوخ می شود .</p>	<p><b>تذکر : با توجه به اینکه</b>  <b>قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ آزمایشی ( به مدت سه سال ) می باشد و در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۲۸ مهلت آن پایان می پذیرد لازم است تشکیلات ، حدود مهلت وظایف و اختیارات دادرسیها برای بعد از تاریخ اخیر الذکر مشخص گردد .</b></p>	<p>۱۵- ماده ذیل جایگزین ماده (۳۸) می گردد :  <b>ماده ۳۸-</b> دولت مکلف است در قالب قانون بودجه سالانه ، اعتبارات لازم را برای تهیه وسایل و تجهیزات لازم و به کارگیری نیروی انسانی جهت اجرای این قانون تأمین نماید.</p> <p>۱۶- ماده ذیل به عنوان ماده (۳۹) الحاقی می گردد :  <b>ماده ۳۹-</b> از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون ، مواد (۲۳۵) و (۲۶۸) قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی حقوقی مجلس شورای اسلامی و مواد (۳۲۶) ، (۴۱۱) و (۴۱۲) قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ نسخ می گردد . همچنین از تاریخ اجرای این قانون در هر حوزه قضائی کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون در آن قسمت که مغایرت دارد در همان حوزه منسوخ می شود .</p>